

تأثیر از هم‌گسیختگی خانواده (طلاق) بر بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه موردی کودکان کانون اصلاح و تربیت کرمان)

چکیده:

مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جمله مسائل بغرنج اجتماعی است که دنیای امروز را شدیداً به خود مشغول داشته است. بیش از یک قرن پیش، یعنی از اواخر قرن نوزدهم، ارتکاب جرم و جنایت از ناحیه کودکان و نوجوانان، در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. از آن هنگام تاکنون اکثریت محققین، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روانشناسان، روانپزشکان و متخصصین تعلیم و تربیت برای یافتن راه حلی جهت پیشگیری از بروز تبهکاری در میان اطفال و نوجوانان در تکاپو بوده‌اند. در خصوص بهنجار بودن یا نبودن و گرایش به بزهکاری از سوی اطفال و نوجوانان و عناصر متعدد دخیل در آن، فرض را بر آن نهادیم که از هم‌گسیخته بودن خانواده از جمله به دلیل بحث و مشاجره دائمی و نهایتاً طلاق یکی از مهمترین عوامل تمایل به نقض هنجارها و بزهکاری از سوی طفل یا نوجوان است. لذا در این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر نا متعادل بودن خانواده بر بزهکاری اطفال هستیم. اطلاعات حاصله از کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت کرمان که به علت محدودیت های موجود تنها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید فرضیه اصلی پژوهش را تایید نمود.

واژگان کلیدی: بزهکاری، اطفال و نوجوانان، از هم‌گسیختگی، خانواده.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه رفتارهای بزهکارانه به مسأله ای بغرنج تبدیل شده که روز به روز آثار نامطلوبی را در حیات فردی و خانوادگی افراد برجای گذاشته و موجب نابه سامانی های اجتماعی فراوانی شده که ریشه های علمی، اقتصادی، اجتماعی و ... آن از ابعاد مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. رفتارهای بزهکارانه معلول عوامل و شرایط متعدد و متفاوتی است، از این رو وقوف به ماهیت آن ها نیازمند بررسی عوامل مختلفی است که در میان این عوامل نقش خانواده بسیار حیاتی و مهمتر جلوه می نماید.

زیرا در گام نخست این خانواده ها هستند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اطفال دارند. چنانکه با تربیت درست می توانند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط را برای تحقق بزهکاری اطفال مهیا سازند. گرچه خانواده، در دوران معاصر که از آن به عصر رایانه و الکترونیک و یا به قولی موج سوم (مرحله فراصنعتی) یاد شده است، بسیاری از کارکردهای خود را از دست داده است و علی رغم نظر عده ای که در دهه های گذشته، مرگ نظام خانواده را در دوران معاصر پیش بینی می کردند، اما هنوز نهاد خانواده به ویژه در کشورهای جهان اسلام، از جمله ایران، نقش موثری را در تکوین شخصیت اجتماعی فرزندان و حفظ و انتقال ارزشهای اجتماعی به نسل بعدی ایفا می نماید.

اهمیت زندگی خانوادگی برای کودکان به مراتب بیشتر از افراد بالغ است. چراکه در اینجا است که کودک اولین تجربیات خود را در زیستن با دیگران می آموزد. در محیط خانواده است که پایه رشد و فعالیت های آینده کودک گذاشته می شود. اینکه در روابط ما با سایرین عشق و محبت حکمفرما است یا خصومت و نفرت، تا حد بسیار زیادی به تربیت خانوادگی بستگی دارد. اصولاً کلیه رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی و بالاتر، چه اجتماعی باشد و یا ضد اجتماعی، در نتیجه تجربیات گذشته به وجود می آید و با توجه به این تجربیات است که میتوان این حالات و رفتارها را توجیه کرد.

بدین ترتیب نقش خانواده در تربیت فرزندان بهنجار و قانون گرا بسیار اساسی است. اما خانواده در صورتی می تواند وظایف خود را به درستی انجام داده و پیروی از قواعد و مقررات جامعه را در فرزندان تحت سرپرستی خود درونی نموده و از این طریق از گرایش آنان به بزهکاری و ارتکاب اعمال منافی ارزش های مورد قبول جامعه جلوگیری و پیش گیری کند که کلیه اعضای در خانواده حضور داشته و به طور کامل وظایف خود را انجام دهند. تحقیق حاضر نیز برای حل کردن این مسئله انجام می شود که اساساً تاثیر حضور تمام اعضای خانواده در پیشگیری از بزهکاری اعضای آن و یا از هم گسیختگی خانواده در میزان ارتکاب جرم توسط کودکان چگونه است؟ در پاسخ به این سوال این فرضیه مطرح می گردد اساساً از هم گسیختگی خانواده و وجود مشاجرات دائمی میان سرپرستان

کودک یا نوجوان که منجر به عدم توجه به نیازهای عاطفی و مادی، عدم کنترل و نظارت بر مراودات و رفتارهای وی و.... می گردد از عوامل مهم گرایش کودک یا نوجوان به بزهکاری می باشد.

کلیات و مفاهیم تحقیق:

بزهکاری: جامعه شناسان انحرافات اجتماعی را به عنوان شیوه رفتاری که بر خلاف وفاق جامعه است، در نظر گرفته و آن را به عدم همنوایی با یک هنجار یا مجموعه ایی از هنجارهایی که مورد قبول بیشتر اعضای یک جامعه واقع شده است، تعریف نموده و اصطلاح بزهکاری اطفال را هنگامی به کار می برند که عاملین چنین شیوه رفتاری، افراد زیر سن قانونی باشند و جرایم این افراد در دادگاه ویژه ی اطفال و نوجوانان مورد رسیدگی قرار می گیرد. جامعه شناسان و جرم شناسان در سال های اخیر با تکیه بر ملاک سن و تاکید بر تعریفی که قانون رسمی از انحرافات ارائه می دهد، رفتار انحرافی را به دو دسته بزهکاری و جرم تقسیم کرده اند که؛ اگر رفتار انحرافی توسط اطفال و نوجوانان صورت گرفته باشد، بزهکاری و اگر توسط بزرگسالان انجام شود، به عنوان جرم تلقی می شود.

بر این اساس، فرد بزهکار از دید جامعه شناسی کسی است که به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی یا قانون شکنی متهم است، ولی به علت اینکه به سن قانونی نرسیده است، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی شود. بنابراین، رفتار بزهکارانه آن دسته از رفتارهای انحرافی است که توسط افراد کمتر از ۱۸ سال صورت می گیرد و بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی، به دسته های کوچکتری مانند بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت ها و....) و بزهکاری ملایم (تخریب کیوسک تلفن، شکستن لامپ، پاره کردن صندلی و....) تقسیم شده است.

خانواده: کلمه ی خانواده معادل Family در زبان انگلیسی که خود از واژه Familia (به مفهوم مجموعه ی پدر، مادر و فرزندان) آمده است، می باشد. خانواده در زبان فارسی به معنای دودمان و خانواده است. در عشایر ایران خانواده را «اهل بیت» گویند و چند اهل بیت یک «دودمان» را تشکیل می دهند.

تنوع و تحول خانواده و شکل آن، در زمان ها های مختلف و نیز به دلیل مشکلات مربوط به امیختن جنبه زیستی (بیولوژیک) خانواده با سایر خصوصیات اجتماعی آن (سیاسی، معرفتی، اقتصادی و فرهنگی) که این نیز همواره متغیر بوده و سبب شده است که تاکنون از خانواده تعریف کامل، جامع و تام ارائه نشود و هر یک از علوم انسانی بنابر نظرگاه خاص خود تعریفی ابراز داشته است.

پس پیوند ویژگی زیستی خانواده با سایر خصوصیات به ویژه فرهنگی - اجتماعی آن که متغیر و متنوع بوده، مشکل اصلی اظهار تعریف برای خانواده بوده است. خانواده هم نهاد اجتماعی و هم سازمان اجتماعی، هم گروه اجتماعی و نیز یک جامعه کوچک و اولیه است.

از لحاظ جامعه‌شناسی (الف) نهاد خانواده کلیات تام، به هم بافته و تافته ایی است که در آن اجزا تابعی از یکدیگر و از کل پدیده خانواده هستند و خانواده به عنوان هسته اساسی زندگی اجتماعی تلقی می‌شود و علاوه بر اعمال تولید مثل و برخوردار کردن از تربیت های گوناگون، وظیفه تامین وحدت و همبستگی را بر عهده داشته است و به بقا نظام های اجتماعی و تقارن عمومی کمک کرده است. و به گونه ای هدف اجتماعی کردن فرد را تعقیب نموده که هیچ نهاد، سازمان یا گروه دیگری نتوانسته است جایگزین ساختار و کارکردهای آن گردد.

(ب) برخی همچون مک ایور خانواده را گروهی اجتماعی میدانند که به علت رابطه زناشویی به منظور تولید مثل و پرورش فرزندان پدید آمده است.

(پ) از لحاظ سازمانی، خانواده گروه اجتماعی متشکل از افراد بالغ (حداقل دو نفر با جنسیت مخالفت که با یکدیگر ازدواج کرده اند) و فرزندی که ثمره ازدواج آنان بوده، تعریف شده است.

مبانی نظری:

در خصوص مبانی نظری علل بزهکاری کودکان مکاتب مختلفی مطرح شده است: بر اساس عقاید مطرح شده در مکتب کلاسیک، به هیچ عنوان به اثرات عوامل درونی و بیرونی و به عبارتی محیطی بر روی فرد توجهی نمی‌شود و بنیانگذاران این مکتب هیچگاه به مطالعه در اطراف پدیده های جرم زا نپرداخته اند، زیرا از نظر ایشان، انسان مختار و آزاد است و بنابراین مسئولیت کلیه ی رفتار های خود را اعم از خوب یا بد بر عهده دارد. از نقطه نظر آنان، علت اساسی جرم فقط در اراده ی آزاد فرد می باشد و شرایط و مقتضیاتی که او را احاطه کرده است به هیچ وجه اثر قابل ملاحظه ای بر روی اعمال وی ندارد. او با اراده ی آزاد می تواند از عواملی که او را تحت فشار می گذارند، احتراز کند و خود را نجات دهد و در این شرایط آگه به سمت ارتکاب جرم برود، دلیل آن این است که خود خواسته که مرتکب جرم بشود. مکتب نئوکلاسیک نیز هرچند که نسبت به مکتب کلاسیک مترقی می نمود اما بازهم توجه اندکی به عوامل محیطی، خانوادگی، اقتصادی، بهداشتی و ... در جهت پیشگیری از وقوع جرم صورت گرفته است.

در انتقاد به دو مکتب مذکور بود که در اواخر قرن نوزدهم مکتب تحقیقی توسط دانشمندانی چون سزار لومبرزو و امریکو فری ارائه گردید. این مکتب با نفی مختار بودن انسان، به دنبال علت شناسی جرائم بود. لومبرزو بر جبر زیستی تاکید داشت و برای عوامل شخصی و وراثتی در جرم زایی اهمیت زیادی قائل بود ولی امریکو فری بر عوامل محیطی و اجتماعی تاکید می کرد و آنگاه با امتزاج این دو دسته عامل، معتقد بود که برای وقوع جرم توسط افراد و به طور خاص اطفال، ترکیب دو گروه عوامل بزه زا اجتناب ناپذیر است؛ عوامل بزه زای داخلی که از ساختمان جسمی و روانی اطفال ناشی می شود مانند عوامل مادر زادی، عوامل مربوط به وراثت و عوامل متعدد روانی که در پیدایش بزهکاری

اطفال و انحرافات ایشان موثرند و عوامل بزه زای خارجی که عوامل محیطی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در بر می گیرد که مجموع این عوامل انسان را مجبور به ارتکاب جرم می نماید. اما همانطور که واضح است این مکتب نیز در توجه به عوامل محیطی زیاده روی و افراط نموده است.

در واکنش به معایب این سه مکتب بود که مکتب دفاع اجتماعی ظهور و سعی نمود نقاط قوت مکاتب سابق را جمع نماید تا در کنار توجه و اهمیت به مسئولیت اخلاقی و عنصر اختیار که در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک مطرح شده به عوامل محیطی نیز در بزهکاری افراد و به طور خاص اطفال توجه نماید.

روش شناسی:

این تحقیق به روش کتابخانه ای- میدانی صورت گرفت به این صورت که هم از تحقیقات و کتب نوشته شده در این خصوص بهره گرفته شد و هم از ابزارهای تحقیق میدانی که به علت محدودیت های قانونی منحصر به پرسشنامه می باشد، استفاده گردید. پس از جمع آوری داده ها ابتدا آنها را به رایانه منتقل و به تجزیه و تحلیل داده ها پرداختیم. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS به دو صورت توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. در قسمت توصیفی با استفاده از جداول فراوانی به توصیف داده ها پرداخته شده است و در قسمت استنباطی با استفاده از تکنیک های آماری نظیر رگرسیون لجستیک فرضیه ی تحقیق به بوته آزمایش گذاشته شده است.

پیشینه ی تحقیق:

*کانون خانواده و بزهکاری: از هم پاشیدگی کانون خانواده و تأثیر جرم زایی آن

کی نیا، مهدی، نشریه مکتب مام، تیر ۱۳۵۴، شماره ۶۷

در این مقاله به طور خلاصه به تاثیر از هم پاشیدگی کانون خانواده به هر نحوی اعم از جدایی، فوت، عدم حضور در خانواده و.... بر بزهکاری اطفال به شیوه ی کتابخانه ای پرداخته شده و نظرات و دیدگاه ها و نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته توسط جرم شناسان کشور های مختلف برای آشنایی با دستاوردهای ایشان بیان گردیده است.

* بررسی مقایسه ای علل خانوادگی موثر بر بزهکاری نوجوانان پسر در شهر گرگان

ایری، امان محمد، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر طلعت الهیاری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.

در این تحقیق به بررسی علل خانوادگی گوناگون موثر بر بزهکاری اطفال و نوجوانان پرداخته شده و تنها مباحث کوتاه و مختصری به مبحث بسیار مهم از هم گسیختگی خانواده اختصاص یافته است و

در بحث از هم پاشیدگی خانواده نتایج میدانی مشاهده نگردید و صرفاً به بیان نظران جرم شناسان اکتفا گردید.

* بررسی و مقایسه عملکرد خانواده های نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار

جوادی، سید محمد حسین، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمد زاهدی اصل، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.

در این تحقیق با مقایسه خانواده های اطفال بزهکار با غیر بزهکار سعی شده است تا علل محیطی موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان آشکار گردد مع ذلک آنگونه که باید و شاید به مبحث از هم گسیختگی خانواده و علی الخصوص موضوع شایع آن طلاق توجه نگردیده و در سر فصل های کوتاه به صورت کتابخانه ای موضوع مورد بحث و امعان نظر قرار گرفته است.

یافته های تحقیق:

از هم پاشیدگی و گسیختگی خانواده می توانند معلول عوامل مختلفی از جمله اختلاف و مشاجره دایمی والدین و در نهایت طلاق و متلاشی شدن خانواده باشد. جدایی والدین از قدیم الایام به عنوان یکی از علل مهم ناسازگاری کودکان مورد توجه بوده است. متأسفانه این امر در دنیای کنونی به مثابه یک آفت اجتماعی شناخته شده است. جدایی اشکال مختلفی دارد، گاهی به صورت عدم سازش والدین و قهر آن ها و زمانی به صورت جدایی فیزیکی و جنسی _ ولی زندگی در زیر یک سقف _ زمانی جدایی فیزیکی و جنسی به صورت کامل و زندگی در دو مکان مختلف اما بدون قطع رابطه شرعی و قانونی ازدواج و بالاخره گاهی هم به حالت طلاق یعنی فسخ رابطه ی زناشویی و جدایی کامل وجود پیدا می کند. هر یک از انواع جدایی، تبعات و اثرات منفی بسیاری بر روند رشد جسمی و روحی فرزندان دارد و منشأ مشکلات گاهاً شدید و حادی می شود.

والدین مسئول ایجاد اخلاق حسنه و شکل گیری شخصیت اطفال می باشند. به عبارت دیگر منش طفل آینه ی تمام نمای روش تربیتی والدین می باشد و سازگاری یا ناسازگاری کودک بستگی مستقیم به تربیت و پرورش و زمینه سازی پدر و مادر دارد. در محیط خانوادگی زمانی والدین موفق به ایجاد یک محیط سالم و مناسب خواهند شد که تفاهم و هماهنگی لازم را در اداره کانون خانوادگی و تربیت فرزندان داشته باشند. لذا حتی اگر والدین هر دو حضور داشته ولی خانه مشترک به علت اغتشاش، بحث و مجادله، خالی از دوستی و صفا و صمیمیت باشد، وجودشان به اندازه فقدان آن ها و حتی بیشتر بر روحیه طفل و اخلاق وی لطمه و ضربه وارد می کند. طفل برای یک تربیت و رشد مناسب نیاز به یک محیط با ثبات، ایمن، با آرامش و محبت دارد (نجفی توانا: ۱۳۸۲، صص ۸۵ و ۸۶ و شامبیاتی: ۱۳۸۵، ص ۲۲۶).

از هم پاشیدگی کانون خانواده به هر علتی از جمله طلاق، ثبات، امنیت و آرامش خانواده را از بین برده بر رشد و تکامل عادی شخصیت تاثیر منفی گذاشته، نهایتاً باعث بروز اختلالات عاطفی و رفتاری در اطفال و نوجوانان خواهد گردید. خانواده نامتعادل و یا متلاشی شده، عمیقاً بر روحیه و تعادل روانی فرزندان اثر گذاشته، سبب بروز ناراحتی ها و حالات عصبی متعددی مانند اضطراب، افسردگی، خشم و ... شده، تدریجاً اطفال و نوجوانان را به طرف ناساگاری اجتماعی و ارتکاب جرم سوق خواهد داد (لبریز و شکری: ۱۳۷۳، ص ۷۲ و معظمی: ۱۳۹۴، ص ۲۱۹).

مطالعات جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان و روانشناسان مؤید این امر است که یکی از علل مهم نابسمانی رفتار کودکان، خانواده مغشوش، از هم گسیخته و ناهماهنگ می باشد. پروفیسور بوزا استاد حقوق معاصر فرانسه در این خصوص می نویسد: «از دیر باز یک نوع تناسب مستقیم بین طلاق و بزهکاری مورد تأیید بوده است. این تناسب به خصوص در دو کشور اروپایی انگلستان و سوئد کاملاً به چشم می خورد زیرا به موجب آمار منتشره، تبهکاری در این دو کشور به موازات طلاق افزایش می یابد» و به موجب تحقیق مفصل و جامع «دنيس - زاو» استاد جرم شناسی دانشگاه مونترال کانادا اصولاً بین طلاق و ارتکاب جرم نوعی رابطه ی مستقیم وجود دارد و به عبارت دیگر طلاق عامل موثر در افزایش بزهکاری، خصوصاً از جانب کودکان و نوجوانان است (موسوی: ۱۳۹۰، ص ۷۸ و معظمی: ۱۳۹۴، ص ۲۱۹ و زارعی: ۱۳۸۴، ص ۵۴).

پروفیسر لئوته که در شناخت و ارزیابی عوامل جرم زا بسیار سختگیر است می نویسد: «آمار و ارقام درباره ی ارزیابی نقش جرم زائی خانواده های نابه سامان موجب گردید که جرم شناسان به قاطعیت آن اذعان نمایند و خانواده ی نابه سامان را در گروه عوامل جرم زا قرار دهند». همچنین طبق تحقیق که توسط آقا و خانم گلونک در رأس هیاتی از پژوهشگران در رشته های گوناگون وابسته به جرم شناسی در دانشگاه هاروارد بر روی ۵۰۰ نوجوان بزهکار صورت گرفت، مشخص گردید ۶۰/۴ درصد نوجوانان بزهکار متعلق به خانواده هایی بوده اند که بر اثر طلاق از هم پاشیده بوده اند (کی نیا: ۱۳۵۴).

در واقع طلاق یک ضریب مثبت و عامل بسیار قوی برای ازدیاد تبهکاری است. طبق بررسی دکتر ایتن دوگریف استاد مدرسه ی علوم جنایی لوون، یک نسبت مستقیم احتمالی بین عللی که موجب طلاق می شود و تبهکاری بزرگسالان وجود دارد و یک نسبت قطعی بین این طلاق ها و تبهکاری خوردسالان مورد تأیید است؛ مثلاً ۸۰٪ کودکان تبهکار در کالیفرنیا، فرزندان خانواده هایی بودند که مابین پدر و مادرشان جدایی رخ داده است (کی نیا: ۱۳۵۴).

دکتر هویه فرانسوی ۹۰-۸۰٪ بزهکاری کودکان را نتیجه طلاق و از هم پاشیدگی خانواده می داند. در خانواده های پر اغتشاش و از هم پاشیده، هیجان ها و اضطراب های عصبی و تحریک مداوم، که در اثر اختلافات و جر و بحث والدین ایجاد می گردد، رفتار های اطفال را شدیداً تحت تاثیر قرار داده

و موجب عدم رشد قوای عاطفی به صورت طبیعی، افسردگی، ایجاد نفرت، بی تفاوتی نسبت به اطرافیان و فرار می گردد. طلاق هرچند ممکن است برای والدین تنها راه چاره و موفقیت آمیز پایان یک زندگی بی تفاهم و پر اختلاف باشد، ولی برای طفل همیشه مبین یک فاصله عمیق و فاجعه عظیم محسوب می شود. حادثه ای که محرومیت ابدی از عواطف حیاتی پدر و مادر را به دنبال خواهد داشت.

آمار ها این حقیقت را آشکار می کنند اختلالات شخصیتی و روحی ناشی از محیط های خانوادگی و متشنج و از هم پاشیده موجب اعمال نابهجار فراوان می گردد. در فرانسه ۹۰٪ از اطفالی که فرار می کنند متعلق به چنین کانون های خانوادگی می باشند و ۲۸٪ کودکان و نوجوانانی که خودکشی کرده اند در خانواده های نامتعادل زندگی کرده اند (نجفی توانا: ۱۳۸۲، ص ۸۵ و صلاحی: ۱۳۸۹، ص ۱۳۰ و زارعی: ۱۳۸۴، ص ۵۴)

طبق ارقام موجود در ایران ۴۰٪ اطفال بزهکار نگهداری شده در کانون اصلاح و تربیت در سال های اخیر متعلق به کانون های خانوادگی متشنج و از هم پاشیده و یا دارای اختلاف بوده اند. آمار دیگر حاکی است که از بین ۲۲۵ نفر مددجو در زندان مشهد ۴۶٪ به علت فوت و یا جدایی والدین، پدر و مادر خود را از دست داده اند.

در میان عوامل از هم پاشیدگی خانواده طلاق از عوامل دیگر مهمتر و شایع تر بوده لذا بیشتر جرم شناسان و جامعه شناسان به آن پرداخته اند. تحقیقی در مورد عده ای از بزهکاران کودک و نوجوان که در کانون اصلاح و تربیت به سر می بردند نشان داده است ۷۰٪ آنان، کودکان یا نوجوانانی بوده اند که در آتش اختلافات خانوادگی سوخته اند و طلاق و جدایی والدین شیرازه زندگی شان را از هم پاشیده است. براساس تحقیقات دانشگاه می نسوتا اکثر تخلفات از کودکانی سر می زند که والدین آنها به علت طلاق یا انگیزه های دیگر از هم جدا شده اند.

شگفت آور این است که زمینه بزهکاری در دختران چنین خانواده هایی به مراتب بیشتر از پسران است شاید رقت عاطفی، میل به پناه جویی سریعتر، سبب بروز چنین واقعه ای برای دختران باشد. طفلی که از یکی از والدین خود جدا شده احساس محرومیت می کند و از وضع زندگی خود ناراضی است و ناراحت؛ کودکان و نوجوانان که در این راه شدیداً ضرر کرده و جداً دچار محرومیت هستند، سعی دارند به دنبال پناهی بگردند و مأمنی برای خود تهیه کنند، بنابراین با اطرافیان خود سریعاً ارتباط برقرار کرده و عدم تجربه و آگاهی کودکان و نوجوانان زمینه را برای افرادی که در گوشه و کنار شهر وجود دارند و منتظر این فرصت هستند تا آنها را به سمت لغزش بکشانند، فراهم می کند. پس نبود والدین و عدم کنترل از سوی آنها، باعث می شود کودکان و نوجوانان خود را آزاد و بی قید بدانند و این منشأ بسیاری از نا به سامانی ها خواهد بود. در واقع اینان همچون میوه هایی بر درختان بی

صاحبند که در معرض سنگ اندازی اجانب و دزدان هستند و چه بسیارند آلودگانی که در جستجوی فرصت برای شکار این افراد هستند (موسوی: ۱۳۹۰، ص ۷۷ و موسوی: ۱۳۷۸، ص ۱۹۵).

وجدان اخلاقی هر کس مرهون طرز زندگی شخص در کودکی و رفتار پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر اطرافیان در آن دوره است، اگر این الگوی رفتار، سالم، مستعد و روشن باشد، کودکان با مکانیسم یکسان سازی به راحتی خود را بر آن عینیت می دهد و در زندگی دچار تزلزل و تردید و دلهره نخواهد بود. بررسی تبهکاری کودکان ثابت کرده که نفاق و ستیزه جویی میان پدر و مادر در بروز آن نقش عمده ای داشته است. ستیزه جویی، نفاق و رفتار خشونت آمیز فقط مفاصل خطرناکی برای کودک و جامعه به بار نمی آورد؛ بلکه خونسردی و سکوت دائمی والدین و کانون سرد و بی فروغ و خالی از محبت و مهر و نوازش آنان نیز پیامد شومی در بر خواهد داشت. بسیاری از مجرمان سنگدل و مجرمان به عادت کسانی هستند که در کودکی از نوازش مادری و محبت پدر محروم مانده و از این محرومیت رنج برده اند (موسوی: ۱۳۹۰، ص ۷۸)

در سال های اخیر تحت تاثیر عوامل مختلف مانند بیکاری، تورم فزاینده، عدم احساس امنیت نسبت به آینده، تضاد فرهنگی، جمع گریزی و رشد فزاینده فرد گرایی افراد کشور به ویژه جوانان دچار تغییر نگرش نسبت به کانون خانواده و زندگی اجتماعی شده و به روشنی از باورهای گذشته فاصله گرفته اند. این امر ابتدا در مورد ازدواج جوانان قابل مشاهده است. تمایل جوانان به تشکیل خانواده بسیار کاهش یافته است به گونه ای که درصد کمی از جوانان تن به ازدواج می دهند. به همین دلیل میانگین سن ازدواج در محدوده ی سنی سی سال به بالا قرار گرفته است. این شرایط موجب بروز ناهنجاری رفتاری در میان جوانان و بروز پدیده رابطه آزاد در نزد آنان گردیده است. فرآیند این حالت از یک طرف و گریز از مسئولیت طبیعی و غریزی پدری یا مادری از جهت دیگر در کنار عوامل پیش گفته ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روحی و روانی موجب گردیده که نرخ باروری به شدت کاهش یافته به صورتی که بر عکس سال های قبل و اوایل انقلاب که نرخ رشد بالاتر از سه و نزدیک به چهار درصد را نشان می داد، در سال های اخیر به زحمت ۱/۲ درصد را نشان می دهد (نجفی توانا: ۱۳۸۲، ص ۸۷).

از طرف دیگر درصد رشد میزان طلاق در کشور تحت تاثیر همان عوامل رشد صعودی داشته و در سال های اخیر به طرز خطرناکی افزایش نشان داده است. بر اساس آخرین آمار های منتشره در سال ۱۳۸۱ با وصف کاهش میزان ازدواج، از میان هر ۱۱ ازدواج در کشور یک طلاق ثبت شده است و این رقم در استان تهران به نصاب یک طلاق در مقابل شش ازدواج رسیده است.

در عین حال باید توجه داشت که آمار های رسمی هیچگاه شامل از هم گسیختگی خانوادگی و جدایی فیزیکی و عملی نمی باشد. طبق آخرین ارقام منتشره، ایران در میان کشور های جهان، رتبه

چهارم طلاق و جدایی در خانواده ها را داراست که این روند رو به افزایش می باشد (نجفی توانا: ۱۳۸۲، ص ۸۸).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور عواقب و پیامدهای از هم گسیختگی خانواده بر کودکان و نوجوانان را چنین می توان شمرد:

* بر هم خوردن ساختار خانواده که مهمترین تأمین کننده نیازهای اساسی رشدی کودکان از قبیل، خوراک، پوشاک، مسکن و دسترسی به آموزش و پرورش مطلوب است، ضرورت های اولیه رشدی کودکان و نوجوانان را دچار نوسان و اختلال می کند.

گزارش بررسی وضعیت موجود کودکان کار در ایران حاکی از آن است که گسیختگی خانواده از علل روی آوردن زودرس کودکان به کار است. مجبور شدن کودک به کار ضمن خطراتی که مستقیماً متوجه وی می کند، از جمله امکان بهره کشی مادی و سوء استفاده جنسی از کودکان و نیز وادار کردن آنها به حمل مواد مخدر، فرصت برخورداری از شرایط مطلوب زندگی که لازمه رشد و اعتدال جسمی، ذهنی، روحی و اخلاقی و اجتماعی کودک است را از او سلب نموده و بالاخص مانع بهره مندی وی از تحصیل می شود.

* از هم پاشیدگی ساختار خانواده، نقش های خانوادگی والدین و فرزندان را بهم ریخته، آنان را از جایگاه خود خارج می کند. این امر به ویژه در موارد طلاق صادق است. با تشدید اختلافات و تعارض میان والدین و نزدیکتر شدن آنان به طلاق و جدایی، معمولاً کودکان مورد غفلت واقع شده و مراقبت از آنان به خودشان واگذار می گردد و حتی از بسیاری از کودکان توقع آن است که برای ایجاد وضعیت مطلوب بین والدین تلاش کنند (مهدوی: ۱۳۸۸، ص ۱۷۵).

آسیب وارده به کودک در اثر از دست دادن الگوهای رفتاری پیشین هنگامی مضاعف می شود که پدر یا مادری که سرپرستی کودک را بر عهده دارد، مجدداً ازدواج کند، در این صورت خانواده مختلط به وجود می آید و کودک با ناپدری یا نامادری و احتمالاً برادران و خواهران ناتنی مواجه می شود چنانکه تحقیقات انجام شده در این موارد از جمله وادورث^۱ و پاگانی^۲ نشان داد که ورود پدر یا مادر ناتنی در دوره نوجوانی خطر بزهکاری توسط نوجوانان را نسبت به خانواده های سالم، تک والدینی و یا ورود پدر یا مادر ناتنی در سنین پایین تر، افزایش می دهد (مهدوی: ۱۳۸۸، ص ۱۷۶).

* فرزندان پسر طلاق در همانند سازی مردانه دچار اشکالات زیادی خواهند شد و در برخی موارد تمایلات هم جنس گرایانه از خود بروز می دهند و اعتماد به نفس آنان نیز به شدت کم می شود.

^۱- Wadworth

^۲- Pagani

اصولاً میزان افسردگی و خودکشی در آنان به نحوی شاخص افزایش می یابد. این گونه کودکان خیلی بیشتر از دیگر همسالان خود مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و بی بند و باری و اعتیاد نیز در میان آنها شیوع بیشتری پیدا می کند.

* فرزندان طلاق با گذشت زمانی نمی توانند ثبات هیجانی و عاطفی خود را به دست بیاورند از آنجا که هسته مرکزی شخصیت افراد به نظر بسیاری از پژوهشگران روان شناسی در دوران کودکی شکل می گیرد این گونه کودکان در بسیاری از موارد دچار اختلالات شخصیتی خواهند شد.

* فرزندان خانواده های متشنج و از هم پاشیده آینده خوبی را برای خود تصور نمی کنند و اطمینان خود را به ارکان زندگی از دست می دهند و از آنجا که عدم توجه خانواده را به مسائل و نیازهای خود لمس می نمایند، در آینده نسبت به افراد پیرامون خود و در مقیاس بالاتر، اجتماع، به نوعی بی اعتنایی و بی توجهی کشیده می شوند.

* پرخاشگری و ناسازگاری کودکان، فرار از منزل و ولگردی آنان، کاهش میل به ازدواج، افت تحصیلی، تمایل به خودکشی، اعتیاد و صد ها مورد دیگر را میتوان از پیامد های از هم پاشیدگی خانواده تلقی نمود (ستوده: ۱۳۸۳، صص ۲۱۲ و ۲۱۳ و موسوی: ۱۳۷۸، ص ۱۹۵).

با توجه به اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه های تکمیلی توسط کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت کرمان نیز این مطلب به خوبی روشن گردید زیرا نزدیک به ۷۰ درصد این افراد در خانواده هایی زندگی می کرده اند که از ثبات و پایداری و حضور والدین در کنار هم بی بهره بوده اند و تاثیر این تشنج و از هم پاشیدگی خانواده بر اعضای از این لحاظ کاملاً مشهود است و به خوبی می تواند موید مطالب مذکور باشد.

* با چه کسی زندگی می کنید؟

گوبه	تعداد پاسخگویی	درصد پاسخگویی
پدر و مادر	۲۳	۵۲٪
پدر	۱۴	۳۲٪
مادر	۳	۶٪
پدربزرگ	۳	۶٪
قیم	۲	۴٪

جمع	۴۵	%۱۰۰
-----	----	------

*از هم گسیختگی خانواده

گویه	تعداد پاسخگویی	درصد پاسخگویی
طلاق گرفتند	۸	%۳۵
در طی مراحل طلاق	۴	%۱۶
زندگی نمی کنند ولی طلاق نگرفته اند	۳	%۱۴
خیر	۸	%۳۵
جمع	۲۳	%۱۰۰

* تاثیر جدایی والدین بر ارتکاب جرائم مصرف مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، دست فروشی، سرقت، تکدی گری، قاچاق، ضرب و شتم، قتل، رابطه نامشروع، مشاهده تصاویر مستهجن توسط اطفال

مولفه ها	Wald	P-value	OR	%۹۵ فاصله اطمینان OR	
				حد پایین	حد بالا
جدایی والدین	۴,۳۴	۰,۰۳۷	۱,۸	۱,۱۳	۲,۳
جدایی والدین	۰,۸	۰,۰۱۷	۳,۲	۱,۳۷	۷,۸
جدایی والدین	۰,۰۱	۰,۹۲	۰,۸۵	۰,۰۴	۱۷,۰۵
جدایی والدین	۰,۹۷	۰,۰۲۶	۱,۳۷	۱,۰۵	۲,۶۹
جدایی والدین	۰,۲۶	۰,۶۱۱	۰,۶۰	۰,۰۸	۴,۳۳
جدایی والدین	۰,۱۶	۰,۶۸۷	۱,۶۲	۰,۱۵	۱۷,۱۳

جدایی والدین	۰,۳۵	۰,۰۱۹	۱,۵۵	۱,۰۸	۲,۹۹
جدایی والدین	۲,۲۸	۰,۱۳۱	۵,۱۵	۰,۶۱	۴۳,۲۲
جدایی والدین	۱,۲۱	۰,۴۷	۰,۴۹	۲,۳۰	۰,۲۲
جدایی والدین	۰,۵۷	۰,۴۴۹	۰,۴۵	۰,۰۶	۳,۵۳

❖ بر این اساس از هم پاشیدگی خانواده بر مصرف مواد مخدر توسط کودکان تاثیر معناداری داشته است ($P\text{-value}=0,037$). با توجه به میزان OR، کودکانی که والدینشان از یکدیگر جدا شده باشند، ۱,۸ برابر سایر کودکان به مصرف مواد مخدر روی می آورند ($OR:1,8, CI\ 95\%:1,13-2,3$).

❖ از هم پاشیدگی خانواده تاثیر معناداری نیز بر مصرف مشروبات الکلی توسط کودکان داشته است ($P\text{-value}=0,017$). با توجه به میزان OR، کودکانی که والدینشان از یکدیگر جدا شده باشند، ۳,۲ برابر سایر کودکان به مصرف مشروبات الکلی روی آورده اند ($OR:3,2, CI\ 95\%:1,37-7,8$).

❖ بر این اساس از هم پاشیدگی خانواده بر بروز و انجام سرقت توسط کودکان تاثیر معناداری داشته است ($P\text{-value}=0,026$). با توجه به میزان OR، کودکانی که والدینشان از یکدیگر جدا شده بودند، ۱,۳۷ برابر نسبت به سایر کودکان به انجام سرقت روی می آورند ($OR:1,37, CI\ 95\%:1,05-2,69$).

❖ بر این اساس از هم پاشیدگی خانواده بر بروز یا انجام ضرب و شتم توسط کودکان تاثیر معناداری داشته است ($P\text{-value}=0,019$). با توجه به میزان OR، کودکانی که والدینشان از یکدیگر جدا شده بودند، ۱,۵۵ برابر نسبت به سایر کودکان به انجام ضرب و شتم روی می آورند ($OR:1,55, CI\ 95\%:1,08-2,99$).

بحث دیگری که در انتها باید به آن اشاره نمود مسأله ازدواج مجدد والدین و تاثیر آن بر خروج طفل یا نوجوان از دایره هنجارهای پذیرفته شده در جامعه و در نتیجه گرایش به ارتکاب جرم و بزهکاری است. در جوامع امروزی، میزان طلاق به شدت افزایش یافته است در ایران سازمان ثبت احوال کشور افزایش طلاق را در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۵، ۶ درصد اعلام کرده است و در سال ۱۳۹۱ این سازمان رشد سالانه طلاق در ایران ۵/۴ درصد اعلام کرده و سایت همشهری آنلاین اطلاع داده که در ایران از هر ۴ ازدواج در سال ۹۲ یک ازدواج به طلاق منتهی شده که آمار بسیار تکان دهنده ای است. افزایش طلاق ازدواج مجدد را نیز به دنبال خواهد داشت و با توجه به اینکه براساس آمارها بیشتر طلاقها در سال های اول ازدواج اتفاق می افتد، بیشتر، اطفال و نوجوانان درگیر امر طلاق می

شوند و بالتیجه فرزندان بیشتر افرادی که به ازدواج تن می دهند، اطفال و نوجوانان خواهند بود. در آمریکا ۸۰ درصد از افراد طلاق گرفته به ازدواج مجدد اقدام می کنند که بیش از ۶۰ درصد از این ازدواج های مجدد، مشتمل بر کودکان زیر ۱۸ سال است (غیبی: ۱۳۹۳، ص ۱۸).

در واقع همان طور که اشاره شد والدین بایستی در پرورش شخصیت کودک نهایت دقت و مراقبت را انجام دهند و مقدمات و وسایل یک کانون گرمی را که مملو از مهر و محبت باشد، برای اطفال خود مهیا سازند. زیرا اساسی ترین محیطی که در رشد شخصیت و بهنجار بودن طفل یا نوجوان ایفای نقش می کند، محیط خانواده است. در حالی که طلاق والدین و متعاقباً ازدواج مجدد والدین، طفل را از چنین کانون گرمی محروم می کند. کودک وجود جانشین های والدین را به خوبی درک می کند و با مقایسه خود با کودکان دیگر که از وجود پدر و مادر دلسوز و مهربان بهره مند هستند، احساس محرومیت شدید می کند.

این محرومیت به صورت کینه، خشم، انتقام و ... در ورای روح وی رخنه می کند و چنانچه محیط مساعد باشد، کودک شدیداً عکس العمل های نامتناسب نشان می دهد. احساس محرومیتی که به علت فقدان یکی از والدین در کودک ایجاد می شود او را نسبت به همه بدبین می کند. این احساس محرومیت به صورت تنفر و انزجار نسبت به ناپدری یا نامادری و برادران و خواهران ناتنی ظاهر می شود (صنعی، ص ۵۹۰) و در نتیجه به علت نامهربانی ها و معمولاً تبعیض ها و سختگیری های ناپدری یا نامادری، کودک به محض اینکه فرصتی بیابد دست به انتقام می زند. به عنوان مثال می توان به قتل دختر ۳ ساله ای که به دست خواهر ۱۵ ساله ناتنی خود (در روز ۷ فروردین ۴۹) صورت گرفت اشاره کرد ملاحظه می شود که روح حساس کودکان چه زود دستخوش دگرگونی و انحراف می گردد. از این قبیل ماجرا به طور مکرر اتفاق می افتد و بدون تردید نقش پدر یا مادر ناتنی و رفتار آنها حائز کمال اهمیت است.

در مدارس نوجوان یا طفلی را نمی توان که با ناپدری یا نامادری زندگی کند و دچار افسردگی، اضطراب، ناامیدی نشده و از نظر روحی و روانی ثبات و آرامش داشته باشد. (غیبی: ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). طبق تحقیقی که بر روی ۲۰۰ نفر از کودکان کانون اصلاح و تربیت تهران صورت گرفت مشخص گردید که تعداد ۲۲ نفر از ایشان با نامادری خود زندگی کرده و احساس خود را نسبت به نامادری چنین بیان نموده اند: ۳ نفر نسبت به نامادری احساس خوبی نداشته، ۵ نفر از نامادری شدیداً تنفر داشته ۶ نفر نسبت به نامادری احساس بدی داشته و ۵ نفر نسبت به وی بی تفاوت بوده اند. بنابراین هیچ یک نسبت به نامادری احساس مطلوبی نداشته و درصد بالایی نسبت به نامادری ابراز تنفر و انزجار نموده اند (صنعی، ص ۵۹۳).

۳ کمبودهای عاطفی و عدم مراقبت های لازم در محیط خانواده، گاه آنچنان عرصه را به کودک تنگ می کند که چاره ای جز خودکشی و یا فرار از خانه ندارد. او با طرز تفکر کودکانه خود وقتی در برابر کمبودها و مشکلات فراوانی قرار می گیرد به فکر می افتد که خود را از بین ببرد. در تحقیقی که در زندان شده است این نتیجه بدست آمده که ۹۰٪ کودکان بزهکاری که با ناپدری یا نامادری زندگی کرده اند دست به خودکشی زنده اند و یا قبلاً تصمیماتی برای خودکشی گرفته اند (صنیعی، ص ۵۹۴)

به هر حال اگر رفتارهای نامتناسب ناپدری و یا نامادری منجر به مرگ کودک نگردد، در او احساس کمبود و روان پریشی ایجاد می کند و چنین کودکانی در زندگی معد هستند که عقده های خود را بگشایند و احساسات و آرزوهای شکست خورده و سرکوب شده را التیام بخشند.

فرزندان پس از ازدواج مجدد والدین و تشکیل خانواده ناتنی افزون بر مشکلات ناشی از طلاق، با مسائل و مشکلات دیگری نیز به رو به رو می شوند. فرزندان در مواجهه با پدر یا مادر ناتنی احساس می کنند همسر جدید می خواهد جای پدر یا مادر آنها را بگیرد و چنانچه او را بپذیرند، در واقع به پدر یا مادر اصلی خود خیانت کرده، در نتیجه برای نشان دادن وفاداری و پیوند عاطفی خود با پدر و مادر اصلی خود، معمولاً با پدر یا مادر ناتنی به گونه ای رفتار می کنند که او احساس نکند به خانواده آنها تعلق دارد. در نتیجه اعتماد و محبت که لازمه ی تربیت فرزندان و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان است، وجود نخواهد داشت. علی هذا تحقیقات نشان می دهد ۱۹/۴ درصد از بزهکاران دارای ناپدری یا نامادری بوده اند که نشان از تاثیرات عمیق ناپدری یا نامادری در بزهکاری اطفال دارد (غیبی: ۱۳۹۳، ص ۱۱۰).

مطالب دیگری که درخصوص زندگی طفل یا نوجوان با پدر یا مادر ناتنی قابل ذکر و توجه است، مسئله کودک آزاری و سوء استفاده جنسی می باشد. در این نوع خانواده ها به خاطر فقدان مهر و محبت بین ناپدری و یا نامادری و کودک یا نوجوان، کودک آزاری در سطح وسیعی مشاهده می شود. متأسفانه برآوردهای جامعه شناسان از وقوع قابل ملاحظه ای سوء استفاده جنسی از اطفال و نوجوانان از طرف ناپدری می باشد. بر طبق تحقیقی که در آمریکا صورت گرفت، وجود ناپدری، در خانواده، خطر سوء استفاده جنسی او از دختر ناتنی را شش یا هفت برابر افزایش می دهد.

متأسفانه به علت اندک بودن کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان که با پدر یا مادر ناتنی زندگی می کنند، رابطه ی معناداری میان زندگی با والدین ناتنی و ارتکاب جرم و گرایش به بزهکاری حاصل نگردید.

*ازدواج مجدد والدین

گویه	تعداد پاسخگویی	درصد پاسخگویی
بله	۴	٪۲۸
خیر	۱۰	٪۷۲
جمع	۱۴	٪۱۰۰

* تاثیر ازدواج مجدد والدین بر ارتکاب جرائم مصرف مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، دست فروشی، سرقت، تکدی گری، قاچاق، ضرب و شتم، قتل، رابطه نامشروع، مشاهده تصاویر مستهجن توسط اطفال

مولفه ها	Wald	P-value	OR	٪۹۵ فاصله اطمینان OR	
				حد پایین	حد بالا
ناپدری یا نا مادری	۰,۳۵	۰,۵۵۷	۰,۴۷	۰,۰۴	۵,۹۳
ناپدری یا نا مادری	۰,۲۶	۰,۶۱۱	۰,۱۴	۰,۱۱	۶,۳
ناپدری یا نا مادری	۰,۲۲	۰,۶۴	۰,۴۹	۰,۰۲	۹,۶۷
ناپدری یا نا مادری	۱,۳۱	۰,۲۵۲	۵,۵	۰,۳	۱۰۲
ناپدری یا نا مادری	۰,۰۳	۰,۸۷	۰,۸۹	۰,۲۱	۳,۷۲
ناپدری یا نا مادری	۰,۵۸	۰,۴۴۶	۰,۶	۰,۱۶	۲,۲۴
ناپدری یا نا مادری	۰,۷۳	۰,۳۹۴	۰,۳۳	۰,۰۳	۴,۲۳
ناپدری یا نا مادری	۳,۱۶	۰,۰۷۵	۵,۵۵	۰,۸۴	۳۶,۷۹
ناپدری یا نا مادری	۰,۸۲	۰,۵۳	۰,۴۶۷	۰,۵۵	۰,۱۱
ناپدری یا نا مادری	۰,۳۹	۰,۵۳۲	۰,۴۳	۰,۰۳	۵,۹۳

نتیجه:

در چند دهه اخیر بزهکاری کودکان و نوجوانان به یکی از مهمترین چالش‌های جوامع مختلف تبدیل شده است و با توجه به شکست واکنش‌های کیفری برای کنترل و پیشگیری از بزهکاری در چند دهه اخیر، و همچنین با توجه به حساسیت بسیار بالای دوران کودکی و نوجوانی، پیشگیری از بزهکاری این قشر از جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است.

خانواده به عنوان کوچکترین نهاد جامعه نقش انکارناپذیری در امر پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارد. این نهاد به طرق گوناگون از جمله نظارت و کنترل بر دیگر محیط‌ها و نهادهای مؤثر و ذی نفوذ بر کودکان و نوجوانان از بزهکاری ایشان پیشگیری می‌کند.

در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان از طریق خانواده که در آیه ۶ سوره تحریم به آن اشاره شده است، سه روش مکمل و متمم بسیار اهمیت دارد. در واقع خانواده‌ها از طریق ایجاد و تقویت خودکنترلی در کودکان و نوجوانان، حمایت از کودکان و نوجوانان در رفع نیازهای ایشان و همچنین با کنترل رفتارهای کودکان و نوجوانان و نهادها و محیط‌های مؤثر و مرتبط با ایشان، به این امر نائل می‌آید.

بنابراین خانواده برای اینکه بتواند وظایف و کارکردهای خود در تربیت فرزندان و درونی‌سازی رعایت و پیروی از قواعد و مقررات و ارزش‌های مورد حمایت جامعه را به نحو احسن انجام داده و در نتیجه از بروز ناهنجاری در رفتارهای اعضای خود و گرایش به ارتکاب اعمال خلاف قوانین و اخلاق حسنه، جلوگیری و پیشگیری نماید، لازم است کلیه اعضای خانواده در جمع خانواده حضور داشته و وظایف خود را به صورت دقیق و کامل انجام دهند و این امر محقق نمی‌شود مگر با وجود فضای گرم و صمیمی و ارتباط دلسوزانه و مهربانانه میان اعضای خانواده در چنین فضایی است که والدین به صورت همه‌جانبه نیازهای گوناگون فرزندان از جمله نیازهای عاطفی ایشان را تأمین کنند، اجازه مشارکت و بیان دیدگاه‌ها و تفکرات را به ایشان می‌دهد و در ایجاد و تقویت عزت نفس، نقش سازنده ایفا کند و بر رفتارها، مراودات و اعمال گوناگون فرزندان نظارت دقیق توأم با حفظ استقلال ایشان صورت دهد؛ لذا وجود مشاجرات دائمی میان اعضای خانواده علی‌خصوص والدین و نهایتاً طلاق و جدایی، این فضای محبت‌آمیز را نابود ساخته و کارکردهای خانواده را با اختلال بسیار جدی مواجه می‌سازد و در نتیجه خانواده در تربیت صحیح فرزندان با مشکل حاد رو به رو می‌شود. نتایج حاصله از کودکان کانون اصلاح و تربیت شهرستان کرمان، به خوبی گویای این موضوع است.

که ناسازگاری والدین و از هم گسیختگی خانواده عامل بسیار مهمی در گرایش اعضای خانواده و به طور خاص کودکان و نوجوانان به سمت ارتکاب بزهکاری و نقض قوانین آمره‌ی جامعه است.

منابع:

زارعی، امیر حسین (۱۳۸۴)، بزهکاری و بزه‌دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر شهلا معظمی، دانشگاه تهران.

ستوده، هدایت اله (۱۳۸۳)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ یازدهم.

شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد و ژوبین، تهران، چاپ چهاردهم.

صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، کلیات بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، تهران، چاپ هشتم.

صنّعی، ناصر، بزهکاری اطفال بررسی شناخت علل بزهکاری اطفال در ایران، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر رضا مظلومان، دانشگاه تهران.

غیبی قراجه قیه، میثم (۱۳۹۳)، نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر بهزاد رضوی فرد، دانشگاه علامه طباطبایی.

کی نیا، مهدی (۱۳۵۴)، کانون خانواده و بزهکاری: پاشیدگی کانون خانواده (طلاق)، مکتب مام، شماره ۶۹.

کی نیا، مهدی (۱۳۵۴)، کانون خانواده و بزهکاری: طلاق یکی از عوامل جرم زاست، مکتب مام، شماره ۷۰.

لبریز، ساهره و شکوفه شکری (۱۳۷۳)، مجری طرح دکتر محمد آشوری با همکاری حمید هاشم بیگی و علی منتظری سانجی، بررسی عوامل و انگیزه های ارتکاب سرقت از سوی اطفال و نوجوانان (تحقیقی در حوزه قضایی تهران بزرگ).

معظمی، شهلا (۱۳۹۴)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، تهران، چاپ یازدهم.

موسوی، عافیه السادات (۱۳۹۰)، بزهکاری اطفال و نوجوانان (۱ و ۲)، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.

موسوی، علیرضا (۱۳۷۷)، عوامل خانوادگی ارتکاب جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما:
دکتر محمد آشوری، دانشگاه تهران.

مهدوی، محمود (۱۳۸۸)، اطفال و نوجوانان در معرض خطر (مطالعه موردی بررسی عوامل خطر
بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران)، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر محمد آشوری،
دانشگاه تهران.

نجفی توانا، علی (۱۳۸۲)، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات راه تربیت، تهران، چاپ
اول.